

نقش شکل های غیر دولتی در توسعه حقوق جوانان

رسول منتجب نیا^۱

روح اله مدبر^۲

داوود نوری^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۶/۱۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۸/۲۰

در دنیای معاصر و با توجه به تحولات هر روزه که در حوزه ارتباطات انسانی رخ داده، روند حرکت جوامع موجب گردیده که نقش دولت ها هر روز کم رنگ تر شود و تحولاتی به وقوع پیوندد. بدیهی است که به موازات تحول جوامع، سناریوهای جدیدی در عرصه های اجتماعی - سیاسی محقق می شود که اولویت های نوین همراه با اتخاذ شیوه ها و ابزارهای جدید همانند استفاده از ظرفیت بازیگران غیردولتی به ویژه NGOs ها را می طلبد. در این میان، نقش آفرینی جوانان در کشورهای مختلف دنیا به خصوص جوامع توسعه یافته به عنوان نیروی فکر، کار و ارائه ایده در نهادها و مراکز علمی و اداری و روند توسعه YNGOs در نظام جهانی با برنامه های مختلفی از جمله اقدامات عام المنفعه و بشردوستانه فراتر از مرزهای کشورها، تاثیر زیادی بر افکار توده های مختلف مردم و حتی دولت ها و سازمان های بین المللی بر جای گذاشته است. روش به کار برده شده در این پژوهش، شیوه اسنادی و کتابخانه ای و داده ها نیز از نوع کیفی بوده است. در این پژوهش به بررسی این سؤال پرداخته ایم که مشارکت اجتماعی با استفاده از ابزار Y NGO چگونه می تواند در پیگیری حقوق جوانان مؤثر باشد و چه جایگاهی را برای سازمان های مردم نهاد در توسعه حقوق جوانان قائلیم؟

^۱ دکترای تخصصی فقه و حقوق، عضو هیات علمی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: r.montajab1395@gmail.com

^۲ دکترای تخصصی روابط بین الملل، پژوهشگر دیپلماسی جوانان، تهران، ایران

^۳ دانشجوی دکتری جامعه شناسی ورزش، گروه جامعه شناسی ورزش، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

به نظر می رسد حرکت در مسیر فهم مطالبات داخلی و حقوقی جوانان و دغدغه های آنان موجب نهادینه سازی فرهنگ استفاده از ظرفیت جوانان با محوریت تشکل های غیر دولتی و استفاده از تجارب بین المللی به منظور توانمند نمودن نسل آینده کشور با نگاهی به اسناد مرجع بین المللی با روحیه مطالبه گری و حقوقی خواهد شد.

واژگان کلیدی: جوانان، تشکل های غیر دولتی، حقوق جوانان، تکالیف جوانان و سرمایه اجتماعی



مقدمه

در عصر جدید از مفاهیم متعددی از قبیل حقوق شهروندی، حقوق زن، حقوق کودک، حقوق جوانان، حقوق بشر و ... در سطوح مختلف ملی و بین‌المللی یاد می‌شود که در مواردی نیز محل مناقشه و اختلاف می‌باشند. با این حال، نباید بحث حقوق جوانان را مقوله جدیدی دانست، زیرا توجه به حقوق جوانان از دوران جامعه ملل (۱۹۴۲-۱۹۱۹) مطرح بوده که در این راستا قطعنامه‌ها و توصیه‌نامه‌هایی نظیر حفاظت از حقوق جوانان در قالب‌های زنان، کودکان، سربازان، جوانان، کارگران و مهاجران را شامل می‌شد. توجهات جهانی به حقوق جوانان را از تعداد قطعنامه‌های مجمع عمومی، شورای اقتصادی و اجتماعی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل می‌توان دریافت. همچنین، سند جهانی برنامه عمل برای جوانان تا سال ۲۰۰۰ و پس از آن که در قطعنامه شماره ۵۰/۸۱ دسامبر سال ۱۹۹۵ به تصویب رسیده نیز مؤید این مطلب است. این قطعنامه‌ها که با عناوین مختلف سیاست‌ها و برنامه‌هایی را برای جوانان به تصویب می‌رسانند، حکایت‌گر رویکرد حمایت‌گرانه از حقوق جوانان هستند؛ چرا که دولت‌ها را مکلف به تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های مناسب برای حمایت از حقوق جوانان می‌کنند.

در کشور ما مفهوم حقوق جوانان با توجه به چالش‌ها و مسائل متعدد حوزه جوانان از قبیل ازدواج، اشتغال، اوقات فراغت، مسکن و ... مطرح بوده، یا به تعبیر دیگر موضوع حقوق جوانان به صورت وسیع و فراگیر بوده است. برای مفهوم حقوق جوانان در ایران رویکردهای سه‌گانه‌ای را می‌توان برشمرد:

در رویکرد نخست که آن را می‌توان "رویکرد تکلیف‌گرا" دانست، بیشتر به وظایف جوانان نسبت به حقوق آنان تأکید شده است. مصداق بارز این رویکرد را در "منشور تربیتی نسل جوان" که در ۱۴ فصل و ۹۸ اصل در سال ۱۳۷۳ به تصویب شورای عالی جوانان رسیده است، می‌توان مشاهده کرد.

در دومین رویکرد که آن را "رویکرد حقوق‌گرا" می‌توان نام نهاد، به حقوق جوانان پرداخته شده است که مصداق واضح آن در "منشور ملی حقوق جوان" که در سال ۱۳۸۳ به تصویب شورای عالی جوانان رسیده است. رویکرد سوم که با فضای سیاسی دولت تدبیر و امید نیز مطابقت دارد، "رویکرد تعادل‌گرا" است. در این رویکرد، نوعی اعتدال و توازن بین حقوق جوانان با مسئولیت‌های آنان وجود دارد.

ابزار کمک کننده و تسهیلگر برای توسعه حقوق جوانان، سازمان های مردم نهاد غیردولتی است که علاقمند به این امور و یا متشکل از خود جوانان باشند. تشکل های غیردولتی به عنوان یکی از نهادهای توانمند در تحقق الگوی مشارکت اجتماعی، از آن رو در دنیای امروز اهمیت پیدا کرده اند که می توانند الفبای نقش مردم را در قالب شهروند مقتدر و حلقه واسط بین حکومت و مردم تا شعاع حضور در صحنه های زنده اجتماعی و سیاسی جامعه ایفا نمایند.

سابقه شکل گیری و ایجاد نهادهای مدنی و تشکل های غیردولتی به جامانده به بیش از شش هزار سال پیش می رسد. ارتقای مشارکت نهادهای غیردولتی و مؤسسات خیریه در برنامه های فقرزدایی و شناسایی کودکان یتیم و خانواده های زیر خط فقر در کلیه مناطق کشور توسط مدیریت های منطقه ای و اعمال حمایت های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای افراد یاد شده و توسط آنان و دستگاه ها و نهادهای مسئول در نظام تامین اجتماعی از جمله سیاست های کلی است که اجرای آنها براساس ماده ۹۵ برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به دولت واگذار شده است. براساس این ماده، دولت مکلف است به منظور استقرار عدالت و ثبات اجتماعی، کاهش نابرابری های اجتماعی و اقتصادی، کاهش فاصله میان دهک های درآمدی و توزیع عادلانه درآمد در کشور، کاهش فقر و محرومیت و توانمندسازی فقرا از طریق تخصیص کارآمد و هدفمند منابع تامین اجتماعی و یارانه ای پرداختی، برنامه های جامع فقرزدایی و عدالت اجتماعی را به اجرا بگذارد. در برنامه چهارم توسعه، آنجا که بحث توانمندسازی جوامع محلی به میان می آید، مستقیماً از نهادهای غیردولتی به عنوان شرکای دولت در پروژه های فقرزدایی نام برده شده است. علاوه بر مشخص کردن جایگاه همکاری آنها، بر تعامل آنها با بدنه دولت و به طور مشخص با نهاد نظام تامین اجتماعی تاکید شده است. سازمان ملی جوانان هم براساس تفاهم نامه منعقد شده با وزارت کشور در سال ۱۳۸۲ اعتبار نامه سمن های جوانان به را صادر نموده است که هم اکنون، بیش از ۵ هزار سمن اعتبار نامه دریافت کرده اند.

اهمیت مشارکت های مردمی تا جایی است که سازمان های بین المللی مانند سازمان ملل متحد، بانک جهانی، سازمان کشورهای مشترک المنافع و همچنین سازمان های منطقه ای مانند اتحادیه اروپا و اتحادیه آفریقا، بودجه، برنامه ها و فعالیت های سازمان های غیردولتی را تأمین می کنند. این وجوه از طریق نهادهای جامعه مدنی با هدف ترویج، توسعه و بهبود ارائه خدمات در سطح توده مردم هدایت می شود. (Lekorwe,23:2007)

وجود سازمان هایی که به صورت داوطلبانه و غیر انتفاعی و بدون وابستگی به دولت با تشکیلات و سازماندهی متناسب در جهت نیل به اهداف معین حرکت می کنند، می تواند عاملی مؤثر در مشارکت و توسعه پایدار باشد. این سازمان ها که خود تبلوری از سرمایه اجتماعی محسوب می شوند، دارای کارکرد در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هستند. سازمان غیر حکومتی یا آنگونه که به تازگی در کشورمان با عنوان "سازمان مردم نهاد" شناخته می شود، مفهومی دارای تعریف خاص، دقیق و جامع است که امکان جستجوی تاریخچه معینی از زمان ایجاد آن وجود دارد. براساس قطعنامه شماره (E/۱۹۹۶/۳۱) شورای اقتصادی و اجتماعی، هر سازمانی که ارگان های دولتی و یا موافقت نامه های بین الدولی تشکیل نداده باشند، غیردولتی محسوب می گردد. همچنین، سازمان هایی که اعضای دولتی را به عضویت خود می پذیرند، در صورتی که این گونه عضویت ها به آزادی بیان و عقاید سازمان خلی وارد نیابرد غیردولتی محسوب می گردند. تعریف دیگر، مبنای تشکیل این سازمان ها را مورد توجه قرار می دهد: سازمان غیردولتی به معنی یک سازمان داوطلبانه است که براساس مقاصد کاملاً یا بعضاً بشر دوستانه تشکیل شده است و از لحاظ قانونی از دولت ها یا سایر نهادهای سیاسی مستقل می باشد (اکبری، ۱۳۸۲: ۱۷۰).

پس هر سازمانی که بر اساس نهادهای دولتی یا موافقت نامه های بین دولت شکل نگرفته باشد، غیر دولتی است. سازمان های غیردولتی برای نیل به اهداف خویش و انجام فعالیت های مورد نظر از راهکارهای مختلفی سود می جوید که با اندکی چشم پوشی از تفاوت های ناشی از حیطه های مختلف فعالیت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی می توان آن ها را در هشت قالب کلی دسته بندی کرد:

۱. جمع آوری، ارزیابی و انتقال اطلاعات؛
۲. اقدامات حمایتی و وکالتی؛
۳. ایجاد معیار از طریق ارائه پیشنهاد به دولت و یا سازمانی بین المللی؛
۴. آموزش، پژوهش و انجام مطالعات؛
۵. جمع آوری و ارائه کمک های حقوقی و بشر دوستانه؛
۶. ایجاد تشریک مساعی؛
۷. کارکرد روانی - تبلیغاتی از طریق ستایش و محکومیت اخلاقی؛

۸. ایفا نمودن نقش ناظر در تعهدات داخلی و بین المللی دولت.

اهمیت و ضرورت پژوهش

با توجه به اینکه امروزه اثر گذاری NGOs (تشکل های غیردولتی) چشم گیر و حائز اهمیت است، در این پژوهش به بررسی میزان استفاده از این ظرفیت عظیم در ایران و بررسی نقش آن در توسعه حقوق جوانان پرداخته ایم. ظرفیت و میزان توسعه NGOs و هم رویکرد و نگاه توسعه گفتمان دفاع از اقدامات عام المنفعه، مواردی است که می تواند به توسعه حقوق جوانان و ارتقای جایگاه ایران نزد افکار عمومی منجر شود. همچنین از توصیه های دین مبین اسلام در کتاب آسمانی قرآن کریم، ترویج اقدامات بشردوستانه و نیکوکارانه و همونوع دوستی است که انجام آن موجبات آرامش انسان را نیز فراهم خواهد نمود (سوره مبارکه نمل، آیه ۸۹). فعالیت های هدفمند و سازمان یافته اجتماعی بر اساس انگیزه های عاطفی و مذهبی از سالیان دور در ایران مرسوم بوده است. این فعالیت ها همیشه بدون حمایت دولتمردان توسط مردم سازماندهی و در قالب گروه های خیریه، هیات های مذهبی و انجمن های بشردوستانه یا میهن پرستانه هدایت و مدیریت گردیده است و عموماً با کم ترین اتکا به نهادهای حکومتی به فعالیت پرداخته اند. (نمازی، ۱۳۸۱: ۹۴) جوان ایرانی با نگاه به آینده و ظرفیت بالقوه فکر و نیروی خود می تواند در مسیر توسعه گفتمان بشردوستی نقشی موثر در معرفی رویکرد صلح طلبانه ایران بردارد. پس از روی کار آمدن دولت یازدهم در ایران به ریاست دکتر حسن روحانی، دستگاه دیپلماسی ایران در مسیر سیاست خارجی تعامل سازنده با نظام بین الملل به عنوان کلیدی برای حل مشکلات سیاسی و اقتصادی حرکت نمود. اصول و محورهای تعامل سازنده با جهان شامل محورهایی همچون دوری از تنش و تنش زدایی، عقلانیت و تدبیر در سیاست خارجی، اعتماد سازی، بهبود چهره، تصویر و پرستیژ ایران در عرصه جهانی، دیپلماسی فعال و پویا، تلاش برای متوازن نمودن و بهبود روابط با کشورهای جهان، به خصوص با کشورهای همسایه و در صورت وجود شرایط منطقی مذاکره دو جانبه و از موضع احترام متقابل با ایالات متحده آمریکا می باشد (رضایی، ۱۳۹۲: ۱۳۸). تلاش برای بهبود چهره و تصویر ایران در نظام بین الملل، دوری از درگیری ها و تنش زدایی، تحول هویتی و اجماع نخبگان، اعتمادسازی در عرصه بین المللی و همزیستی مسالمت آمیز از برنامه های سیاست خارجی دولت یازدهم می باشد (رضایی، ۱۳۹۲: ۷۴).

آنچه امروز در نظام بین الملل به عنوان یک امر پذیرفته نزد نخبگان مطرح است آن است که برداشت از واقعیت حداقل به اندازه خود واقعیت دارای اهمیت است. به عبارتی، تصویری که سایرین از یک کشور دارند، حداقل به اندازه واقعیت دارای اهمیت است. در این راستا کشورها بر اساس برداشتی که از هم دارند، همدیگر را درک می کنند و بر اساس همین برداشت به اتخاذ سیاست می پردازند. (ترابی ۱۳۸۸: ۳۸) بنابراین ارائه چهره و تصویری مثبت از کشور و تعریف آن به عنوان کشوری مسئول و تابع قواعد و رژیم های بین المللی، می تواند باعث گسترش تعاملات و پذیرش آن کشور به عنوان کشوری مسئول در عرصه بین المللی و در نتیجه ورود گسترده تکنولوژی ها و سرمایه گذاری خارجی گردد. بدین منظور ارائه تصویری مثبت از کشور موجب می شود که توسعه آن برای سایرین تهدید در نظر گرفته نشود. (Fritz, 2006; 15) لذا نگاه مثبت به توسعه سازمان های غیر دولتی و توجه به حقوق جوانان همانگونه که در اسناد بین المللی آمده است، در مسیر اعتماد سازی به نسل جوان و استفاده از ظرفیت آنان موجب مشارکتی برد- برد، برای تسهیل در روند تغییر چهره کشور در نظام بین الملل می تواند مورد استفاده قرار گیرد. نقشی که NGOs های جوانان ایران می توانند در ارائه تصویر صلح طلبانه کشور در نظام بین الملل بردارند و یا در محکومیت اقدامات نقض حقوق بشری متعدد از جمله کشتار مسلمانان عراق، پاکستان، بحرین، فلسطین، یمن... و یا سایر موارد جنایات علیه بشریت انجام دهند، دولت و دستگاه دیپلماسی با اتلاف هزینه های هنگفت به آن خواهند رسید. (مدبر، ۱۳۹۴: ۹۰)

در این میان، "سازمان های غیردولتی" به عنوان نهادی مستقل و خودانگیخته علاوه بر اینکه می توانند در دوگانه رابطه "مردم - مردم" و یا "مردم - دولت" به عنوان "واسطه" یا "تسهیلگر" عمل نمایند، می توانند میزان تأثیر و کارایی رفتار مدنی و شخصیت مدنی جامعه را اعتلا بخشند و مورد سنجش و ارزیابی قرار دهند.

"رفتار و شخصیت مدنی" به مجموعه کنش ها و واکنش های ارادی و غیرارادی در سطح عمومی بر مبنای حقوق، تکالیف، وظایف و اختیارات متعارف و پذیرفته شده نسبت به هنجارها و ناهنجارهای فرهنگی - اجتماعی اتلاق می شود. (سماواتیان، ۱۳۹۰: ۳۸) از این رو، در جوامعی که نقش جوانان فعال باشد، آنان بنا به "مسائل" - نه مشکلات و معضلات - و بر اساس ضرورت ها و دغدغه های جامعه، علاوه بر پذیرش نقش های متعددی مانند کمک رسان یا خدمت رسان، اطلاع رسان، امدادگر، مددکار یا نیکوکار، در حوزه تکالیف ملی ایفای نقش "واسطه گری" یا "تسهیلگری" را می پذیرند که عموماً این نقش در بدنه جامعه در دو قالب

"رسمی و غیر رسمی" و اغلب با عنوان NGOs شکل گرفته و با استفاده از ظرفیت شبکه های متنوع اجتماعی در جامعه توسعه می یابند.

سازمان های غیردولتی جوانان در شبکه های اجتماعی "خودساز" و "خود کفا" زنجیره و حلقه های ارتباطی را تشکیل می دهند و در مسیر اهداف و وظایف مورد نظرشان به ابزار اطلاع رسانی و شفاف سازی تبدیل و یا به عنوان همکار یا همیار، ناظر و منتقد بر عملکرد دولت ها و حتی اهرم فشار - اگر چه به مذاق دولت ها نیز خوش نیاید- می پردازند. (مدبر، ۱۳۹۴: ۱۰۲)

بر مبنای نظر سازمان ملی جوانان سابق، تشکل های غیر دولتی جوانان می توانند نقش های زیر را ایفا نمایند:

۱. تقویت و ارتقای هویت دینی و ملی نسل جوان و نوجوانان؛
۲. غنی سازی و عمومی سازی برنامه های دینی، فرهنگی، آموزشی و تأمین فرصت ها و امکانات گذران و غنی سازی اوقات فراغت؛
۳. تسهیل هویت یابی فرهنگی و اجتماعی از طریق تجربه اندوزی، مسئولیت پذیری و ایفای نقش های فعال اجتماعی؛
۴. مشارکت و همیاری در برنامه های توسعه و شکوفایی استعدادها و خلاقیت در مسیر سازندگی کشور؛
۵. برآورده شدن انتظارات و نیازمندی های فرهنگی، اجتماعی و صنفی گروه های مخاطب در فعالیت های گروهی سازمان یافته؛
۶. کسب مهارت ها و فعالیت های لازم برای مواجهه با مسائل و شرایط پیچیده زندگی در دوره های مختلف سنی؛
۷. اعتلای نقش و فراهم آوردن فرصت توانمندی به منظور کسب شایستگی های مدیریتی برای اداره امور کشور در سطوح عالی، میانی و اجرایی؛
۸. فقرزدایی، اقدامات انسان دوستانه، توسعه بهداشت، آموزش و سواد آموزی (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۴: ۷۱).

تمام موارد یاد شده می تواند به عنوان بخشی از امکان استفاده کشور در مسیر اعتماد به توان نسل جوان در پذیرش مسئولیت های اجتماعی محقق شود. بدیهی است که ورود خاص به مسائل کلیدی همچون اقدامات

بشر دوستانه توسط جوانان در ترویج گفتمان همدلی و حمایت از بشریت و کمک به دیپلماسی عمومی کشور نیز مفید واقع خواهد شد.

به همین دلیل بسیاری از تشکل های غیردولتی تلاش می نمایند تا با ارائه راهکارهای اجرایی و یا نظری، انجام پروژه های خرد و کلان در زمینه ها و موضوع های مختلف، یاری رسان دولت و یا سازمان های بین المللی شوند (اعرابی، ۱۳۸۰: ۴۲).

این عمل ضمن کمک به دولت در پیشبرد اهداف و سیاست هایش به ویژه در تحقق توسعه پایدار، باعث ایجاد و افزایش تعامل بر پایه اعتماد بین دولت و نهادهای غیردولتی می شود. به عنوان مثال، همکاری نمایندگان سازمان های غیردولتی در تهیه مفاد حقوق بشری پیش نویس منشور سازمان ملل، از جمله پیش بینی تشکیل کمیسیونی برای ارتقای حقوق بشر و یا تلاش سازمان های مردم نهاد بین المللی دفاع برای کودکان در تهیه پیش نویس کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) اهمیت نقش NGOs در سطح بین المللی را نشان می دهد. (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۴: ۳۲) علاوه بر موارد فوق سازمان های مردم نهاد، حضور فعالی در خلال کنفرانس های جهانی دارند، از جمله حضور فعال و مؤثر این سازمان ها در کنفرانس جهانی حقوق بشر (وین)، کنفرانس جهانی زنان در (پکن)، کنفرانس های جهانی زمین (ریودوژانیرو و ژوهانسبورگ) و نظایر آن بسیار چشمگیر بوده است. (همان) در تمامی این کنفرانس ها، سازمان های مردم نهاد ضمن مشارکت در مباحث کنفرانس و امور مربوط به تهیه پیش نویس اسناد نهایی، اقدام به برپایی نمایشگاه های عکس، پوستر، نقاشی و کتاب پیرامون حوزه تحت پوشش خود و یا حتی تبلیغ آیین گروه و سازمان خویش می نمایند.

در دو دهه اخیر، NGOs به بازیگران مهمی در سطوح مختلف زندگی بشری تبدیل شده اند؛ به طوری که می توان به طور منطقی استدلال کرد که ظهور این سازمان های داوطلبانه غیر دولتی می تواند موجب تغییراتی در روابط بین دولت ها و جوامع در سراسر جهان شود. ویلیام فیشر (۱۹۹۷) ظهور NGOs را به انقلابی بی سر و صدا با اهمیتی همسان با ظهور دولت مدرن در قرن نوزدهم تشبیه کرده است. برخی با طرح نظریه "خیر عمومی"، علت وجودی NGOs را خروجی تقاضاهای برآورده نشده خیر عمومی در جامعه می دانند. به عبارتی، معتقدند دولت ها معمولاً خیر عمومی را فقط در سطحی فراهم می سازند که رأی دهندگان میانی را راضی می کند، در حالی که یک اقلیت مهم نوع خیر عمومی یا سطحی خاص از خیر عمومی را درخواست می کند که فاقد حمایت اکثریت است و دولت نمی تواند در این زمینه کمکی کند. لذا NGOs در این زمینه و

جهت پر کردن این شکاف گام بر می دارند. بعضی از بخش های جامعه ممکن است به خیر عمومی بیشتری از آنچه دولت مایل است ارائه دهد، نیاز داشته باشند. آنها می توانند با سازماندهی خود و بسیج نیروهای مردمی غیردولتی محلی، ملی و حتی بین المللی نیازهای خود را تأمین نمایند. به عبارتی، هر چه جامعه ای دارای انسجام و همگنی بیشتری باشد و از نظر فرهنگی به سمت دموکراسی و نگاه به فعالیت های غیردولتی آزادانه سوق داده شده باشد، بیشتر مستعد ظهور این نوع سازمان های داوطلبانه است.

ادبیات و چارچوب نظری

همانطور که اشاره گردید مباحث حقوق و تکالیف جوانان از مقولات جدید در مقایسه با مقولاتی چون حقوق بشر است و با عنایت به این که پژوهش در حوزه جوانان و تشکل های جوانان از جمله بحث های میان رشته ای به حساب می آید- در کنار محدودیت و کمبود منابع و نظریه ها- لازم است کنکاش عمیق تری صورت پذیرد.

برخی از صاحب نظران "نظریه ناکامی قرارداد" معتقدند سازمان های غیردولتی در جایی ظهور پیدا می کنند که مکانیسم های قراردادی اولیه در ارائه ابزارهای لازم به مردم برای دستیابی و دسترسی به خدماتی که بنگاه ها تولید می کنند، ناکام بمانند. این فقدان اطلاعات لازم برای تولیدکنندگان به این شیوه را ناکامی قرارداد، می نامند. در این شرایط مردم برای تأمین خیر عمومی و نیازهای خود بیشتر به سازمان های غیرانتفاعی و غیردولتی تکیه و اعتماد می کنند. آنچه ذکر شد بیشتر به علل تبیین ظهور و رشد NGOs در جوامع در حال توسعه می پردازد. البته بخش عمده شروع این فعالیت ها توسط بدنه جوان و اغلب دانشجوی این جوامع به علت نوع نگاه و امید به آینده و دستیابی به آرمان هایشان جهت توسعه کشور هایشان انجام می شود.

در این بین، برخی از صاحب نظران معتقدند برای فهم ظهور سازمان های غیردولتی باید روی نقش نیروهای سیاسی و ساختارهای مورد نیاز آنها متمرکز شد. بر اساس این دیدگاه، تحولات در سیاست و ساختارهای نهادی دولت ها و سازمان های بین دولتی در طی زمان، فرصت هایی را در سطوح داخلی و بین المللی برای ظهور سازمان های غیردولتی ایجاد کرده است. به عبارتی، ظهور NGOs را نباید به عنوان ظهور بازیگران اجتماعی مدنظر قرار داد که هدف آنها به چالش طلبیدن دولت یا تلاش برای تکیه زدن به جای آن باشد، بلکه بسیاری از رهبران سیاسی دولت ها و سازمان های بین المللی نقشی کلیدی در ظهور و رشد NGO دارند. البته

عکس این مسئله هم وجود دارد و برخی از رهبران سیاسی دولت ها نگاهی امنیتی به مسئله سازمان های غیر دولتی دارند و در جهت محدود کردن آنها و یا هدفمند نمودن مأموریت های آنها گام بر می دارند . به بیان دیگر، NGOs را از غیر دولتی به دولتی و تحت نظارت کامل نهادهای امنیتی قرار می دهند و یا این که آن را ابزاری برای کسب منافع سیاسی و گروهی خود می کنند.

جهانبینی و نگاه به مقوله حکومت و اعتقاد به میزان مشارکت مردم در تأمین سرنوشت خود از سوی زمامداران، در نگاهشان به مقوله مهم سازمان های غیر دولتی دارای تفاوت می باشد. صرف نظر از اینکه کدام یک از دیدگاه های یاد شده را در مورد NGOs بپذیریم، باید اذعان کنیم که سازمان های غیردولتی امروزه به عنوان بخشی از زندگی سیاسی مدرن هستند. همانطور که گفته شد NGO، سازمانی است غیرانتفاعی، خدمت مدار و توسعه محور که در جهت منافع افراد جامعه و توانمندسازی آنها مستقل از دولت عمل می نماید و از افراد معتقد به اصول عمده اجتماعی و ارزش های معین تشکیل شده است (مدبر، ۱۳۹۴: ۲۸). این سازمان ها از نظر ساختاری، انعطاف پذیر و مردمی هستند و در زمینه های بشر دوستانه، خیریه، اجتماعی، مذهبی، فرهنگی و اقتصادی بدون چشم داشت منفعتی در جهت ارائه خدمات به مردم تلاش می کنند.

در تعریف ایرانی از NGOs یا همان سازمان های مردم نهاد، می توان به این جمع بندی رسید که سازمان های غیردولتی جوانان، مجموعه ای با اهداف خیرخواهانه دارای شخصیت حقوقی مستقل، غیردولتی و غیرانتفاعی هستند که برای انجام فعالیت داوطلبانه با گرایش های غیر سیاسی و بر اساس قانونمندی و اساسنامه بدون و رعایت چارچوب قوانین موضوعه کشور و مفاد آیین نامه های اجرایی آن فعالیت می کنند. این تشکل ها توسط جوانان ۱۵ تا ۲۹ سالتشکیل شده است و خود آنها اداره کننده آن هستند. البته طبق کنوانسیون حقوق کودک- که جمهوری اسلامی ایران آن را پذیرفته است- افراد تا ۱۸ سالگی کودک محسوب می شوند و این مسئله در ایران هنوز در تعریف سن جوانی مدنظر قرار نگرفته و ضرورت دارد با استناد به این کنوانسیون، مورد بازبینی قرار گیرد؛ چنان که در متن آن آمده است که با عنایت به اهمیت همکاری های بین المللی برای بهبود شرایط زندگی کودکان در تمام کشورها به خصوص کشورهای در حال توسعه، به توافقات ذیل نایل شدند:

بخش ۱/ ماده ۱:

از نظر این کنوانسیون منظور از کودک، افراد انسانی زیر سن ۱۸ سال است مگر این که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.

در کل، سازمان غیر دولتی بر چند مبنا و پایه استوارند که این مبانی، اصول اساسی هر تشکل غیردولتی را در بردارد:

داوطلبانه بودن / انسان دوستانه بودن / خیرخواهانه بودن / غیرانتفاعی بودن / غیرسیاسی بودن / توسعه مدار بودن / عدم وابستگی به دولت / خودجوش بودن / برخورداری از هدف و تعهد ارزش مشترک / انعطاف پذیری / (مدبر، ۱۰۰:۱۳۹۴)

فارغ از موارد فوق، آنچه حائز اهمیت است ضرورت ورود جوانان به میدان مشارکت در امور مختلف کشور می باشد که جزو حقوق ذاتی جوانان کشورها به شمار می آید. در حال حاضر، چند سند عمده تعهد آور بین المللی وجود دارد که مختص حقوق جوانان و ضرورت ورود و فعالیت های مشارکت جویانه آنان می باشد:

۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر
۲. کنوانسیون حقوق کودک ملل متحد
۳. برنامه عمل جهانی برای جوانان تا سال ۲۰۰۰ و پس از آن
۴. اعلامیه لیسبون در خصوص سیاست ها و برنامه های جوانان
۵. منشور بین المللی حقوق جوانان (قطعنامه شماره XXV ۲۶۳۳) (مدبر، ۱۳۹۴: ۸۷)

نظرات اینگلهارت در مورد مشارکت شهروندان در امور اجتماعی و دگرگونی ارزش ها مبتنی بر دو فرضیه است:

فرضیه کمیابی: اولویت های فرد، بازتاب محیط اجتماعی - اقتصادی وی است. شخص بیشترین ارزش ها را برای آن چیزی قائل می شود که عرضه آنها نسبتاً کم است.

فرضیه اجتماعی شدن: مناسبات محیط اجتماعی - اقتصادی و اولویت های ارزشی، یک رابطه مبتنی بر تطابق بلافاصله نیست؛ یک تأخیر زمانی محسوس در این میان وجود دارد، زیرا ارزش های اصلی شخص تا حدود زیادی انعکاس شرایطی است که در طول سال های بلوغ وی حاکم بوده است. اینها مباحث مرتبط با دگرگونی فرهنگی در سطوح مختلف را در بر می گیرند که در روندهای اجتماعی جوانان با آنها درگیرند.

اما با توجه به اینکه بخش عمده مسائل رشد و گسترش NGOs در ایران و امکان کمک آنها به کسب منافع ملی، بسته به نوع نگاه دولت ها به این مجموعه هاست، رویکرد سازه انگارانه نیز می تواند به تبیین پژوهش

کمک نماید. در نگرش سازه انگارانه بر ساخت اجتماعی واقعیت تاکید می شود؛ چنان که همه کنش های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می گیرد و معنا پیدا می کند و این معنا سازی است که به واقعیات جهانی شکل می دهد. در تئوری سازه انگاری، هویت ها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در سیاست های جهانی ایفا می کنند. هویت ها و منافع دولت ها توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگ ها ایجاد می شود و این "فرایند" است که موضوع تعامل دولت ها را تعیین می نماید. سازه انگاری به این امر می پردازد که چگونه هویت ها و هنجارهای اجتماعی مردم می تواند با روابط نهادینه میان آنها گسترش یابد و روابط میان دولت ها بر اساس معنایی است که آنها برای یکدیگر قائل اند (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۱۵).

پرسش پژوهش

سئوالی که در اینجا مطرح می شود این است که سازمان های مردم نهاد چگونه می توانند در توسعه حقوق جوانان مؤثر باشند و چه جایگاهی را برای آنها در روند توسعه حقوق جوانان می توان متصور بود؟

پیشینه پژوهش

جو اندرسون در پژوهشی با عنوان "On Nationalism, Ethnicity and Non-Western Societies" در سال ۲۰۱۰ به بررسی تفاوت قوم گرایی و ملیت گرایی در جوامع غیر غربی و توسعه نیافته پرداخته است. او معتقد است سازمان های مردم نهاد در منطقه آسیا و اقیانوسیه، نقش های مهمی در مشاوره های سیاستی بازی کرده اند و همیشه دانش و تجارب آنها بر اولویت های دولت و برنامه های توسعه در سطح ملی و پایین تر از آن نفوذ داشته است. این سازمان ها جایگاه مهمی در فرآوری اطلاعات و داده ها و جلب توجه تصمیم گیران به واقعیت های موجود داشته اند. در زمینه برنامه های تنظیم خانواده، سازمان های مردم نهاد رویکردهای ارتباطی، اطلاعاتی، آموزشی و مشاوره ای را به منظور ترویج مفاهیم این حوزه بین افکار عمومی به کار می برند. در سری لانکا مؤسسه تنظیم خانواده به عنوان یک NGOs در سال ۱۹۵۳ تأسیس شد- پیش از اینکه دولت برنامه های تنظیم خانواده را در سال ۱۹۶۵ به رسمیت بشناسد. در طول این ۱۰ سال این مؤسسه توانست مشاوره های اثربخشی به منظور مشروعیت بخشیدن به برنامه تنظیم خانواده و ابزارهایی برای تغییرات اجتماعی داشته باشد.

پژوهش دیگری با عنوان "The foundations of practical training for young leaders" توسط ادوارد سیمپسون در سال ۲۰۱۲ صورت پذیرفته که در آن به برنامه های توانمند سازی جوانان تاثیر گذار بر امور داخلی کشورها توسط NGOs اشاره شده است. در این پژوهش آمده است که تشکیل زیر بنای مشخص آموزشی برای جوانان کشورها توسط شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد به واسطه تشکل های غیر دولتی می تواند در شبکه سازی آنان نقش داشته باشد.

تأکید و توجه روزافزونی در زمینه همکاری میان تعداد زیادی از NGOs به منظور ایجاد شبکه های گسترده و همبستگی و اتحاد راهبردی وجود دارد. توانایی فوق العاده ای که در سازمان های مردم نهاد وجود دارد، نتیجه دانش و تجاربی است که آنها از طریق کار با فقرای روستایی در موقعیت های متفاوت به دست می آورند. این نوع اطلاعات و تجارب در دیگر نظام های نهادینه شده، قابل دسترس نیست. البته او تأکید می کند بسته به نوع فرهنگ و نهادینه بودن دموکراسی یا جامعه مدنی نقش NGOs در این جوامع متفاوت است، ولی در جوامع غربی دیگر جایگاه NGOs میان مردم مشخص و کاربردی شده است.

همچنین پژوهش دیگری با عنوان "بررسی نقش عوامل سیاسی و امنیتی در سیاست گذاری سازمان های مردم نهاد ایرانی" از امید حسینی در نهمین شماره فصلنامه امنیت ملی در سال ۱۳۹۲ صورت پذیرفته که در آن تأکید گردیده که امروزه، ارتباط مردم با حکومت و دستگاه های دولتی و رشد مشارکت های هرچه بیشتر آنان از طریق نهادها و سازمان های غیردولتی (NGOs) انجام شده است. ویژگی هایی نظیر نداشتن وابستگی به ساختار دیوان سالارانه و منابع عمومی دولت، داوطلبانه و دموکراتیک بودن، آنها را از سازمان های دولتی (G.O.S) متمایز می کند. در حال حاضر، سازمان های غیردولتی به عنوان نهادها و مؤسساتی کارآمد و مکمل بخش دولتی در تأسیس اهداف توسعه جایگاه ویژه ای یافته اند.

نگاه اسلام به جایگاه و حقوق جوانان

اگر به تاریخ و وقایع صدر اسلام و چگونگی شکل گیری نظام اجتماعی آن بازگردیم، به خوبی مشخص می شود که بنای اولیه این دین با اتکا بر همین جوانان شکل گرفته است. بدین ترتیب که پیامبر خدا (ص) در ابتدای دعوت خود نگاه ویژه ای به نسل جوان داشت تا آنان را به سوی خدا فرا خواند و زمینه اسلام آوردن این نسل را فراهم کند. نتیجه تلاش و کوشش پیامبر گرامی اسلام نسبت به جوانان چنین ثمره ای را در جامعه

آن زمان و اسلام در پی داشت؛ چنان که در اولین صف ایمان آورندگان به پیامبر (ص)، افراد جوانی قرار داشتند که حاضر بودند برای اسلام از همه چیز خود بگذرند. به طور مثال، از جمله جوانانی که جامعه اسلام را متحیر کرده بود و نقش بسیاری در جامعه مسلمانان داشت، امیرالمومنین حضرت علی علیه السلام بود.

راهبرد بلند مدت پیامبر گرامی اسلام، تربیت نسل جوان بود که قدرت تفکر پویا و درک اندیشه ها و آرمان های جدید و نو را داشتند تا جامعه آلوده و غرق در شرک و بت پرستی را از بدی ها پاک نمایند. البته غالب انبیای الهی اساس دعوت خود را در عرصه اجتماعی بر نسل جوان متمرکز نموده بودند، چرا که روح پاک و بی آلایش این نسل زمینه ای بوده تا آنان زودتر از دیگران و به نیکی، دعوت انبیا را لبیک گویند و برای اجرای دستورات خداوند آماده شوند. به همین جهت خداوند در قرآن کریم، دعوت حضرت موسی علیه السلام را مثال می زند؛ آنگاه که او دعوت خداوند را به بنی اسرائیل و فرعون عرضه کرد و در شرایطی که بیش از هر چیز به حامی و افرادی نیاز داشت که به او ایمان آورند و همچنین به نیرویی نیاز داشت که دارای آرمان و اندیشه های نو و قدرت و نیرو باشند و شکنجه و تحقیر، عزت آن ها را از بین نبرده باشد. پس بر همین اساس، جوانان از قوم او بودند که ایمان خود را به موسی علیه السلام و خدای او اظهار داشتند:

"فَمَا آمَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّنْ قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ... (سوره مبارکه یونس) (۸۳-)"

سرانجام کسی به موسی ایمان نیاورد مگر فرزندان از قوم وی، در حالی که بیم داشتند از آن که مبادا فرعون و بزرگان آنان به ایشان آزاری برسانند.

و همچنین رشادت و تلاش اصحاب کهف را مثال می زند که چگونه فراتر از شرایط زمانی و محیطی حاکم بر جامعه خود عمل کردند و تحت تأثیر دلبستگی های دنیوی قرار نگرفتند و برای خدا و حفظ ایمان خود، مناصب خویش را رها کردند و به غار پناه بردند، در حالی که همگی آنان جوان بودند:

"نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى" (سوره مبارکه کهف-۱۳)

ما خبر آنها را به تو بر حق کفایت می کنیم، آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند و بر هدایتشان افزودیم.

لذا تمام ادیان به وسیله همین جوانان جامعه را متحول کردند. پیامبر اسلام (ص) نیز که به اهمیت نسل جوان آگاه بود، اساس برنامه های خود را بر تربیت این نسل بنا نهاد؛ نسلی که بتواند نسبت به دیگر اقشار و سایر نسل های جامعه تفاوت برتری آمیزی داشته باشد و آماده انجام کارهای بزرگ باشد. همین نسل برای سال ها

جامعه اسلام را تغذیه نمود و از قلب همین جوانان مهمترین حافظان، محدثان و فرمانده ها و حکام بیرون آمدند و از همین نسل کسانی ظهور کردند که بزرگترین افتخارات را در تاریخ اسلام رقم زدند. پیامبر اسلام صلی... علیه و آله و سلم در تمامی طول عمر مبارکش اعتقاد خود را نسبت به این نسل جوان از دست نداد و آنگاه که آخرین روزهای حیات خویش را سپری می کرد و در بستر بیماری بود، از میان تمامی اصحاب فرماندهی سپاه اسلام را به دست جوانی به نام "اسامه بن زید" سپرد که سن او به ۲۰ سال هم نمی رسید. با این توضیحات به این نتیجه می رسیم که پیامبر صلی... علیه و آله و سلم هنگامی که خواست یک جامعه نامطرح و غرق در جهالت را به قله های علم و فرهنگ و تمدن برساند، از جوانان شروع کرد و آنان را تربیت نمود؛ چنان که نتیجه تلاش و کوشش پیامبر در جهت تربیت این نسل موجب رشد جوانانی شد که اسلام را تا حد دین برتر و حاکم در تمام مناطق دنیا اعتلا بخشیدند. بدین ترتیب، اهمیت جوانان در جامعه کاملاً راهبردی و بلند مدت است.

حضرت علی(ع) فرموده اند: "هرگاه در امری که بر تو عارض شده است نیازمند به مشورت بودی، ابتدا با جوانان مشورت کن؛ زیرا که آنها تیز هوش ترند و سریعتر حدس می زنند. سپس آن را به اندیشه پیران و بزرگان واگذار کن تا عاقبت آن را شناسایی کنند و انتخاب نیکو نمایند، زیرا تجربه آنها بیشتر است."

امام صادق(ع) نیز به ابوجعفر احوال پس از بازگشت وی از بصره فرمود:

"استقبال مردم را نسبت به امر امامت و پذیرش آن، چگونه یافته‌ای؟"

گفت: "سوگند به خدا آنان اندک‌اند، آنچه خواستند انجام دادند..."

امام فرمود: "به جوانان پرداز، زیرا آنان به هر کار خیری شتابنده ترند."

جوان، عنصری فعال و حساس در جامعه است که حقوق و وظایفی بر او معین است و می تواند منشأ بسیاری از دگرگونی های اجتماعی باشد. به همین دلیل بزرگان جامعه و بزرگ ترهای خانواده باید از احوال جوان خود جويا و آگاه باشند و هرگز او و حقوق او را از یاد نبرند؛ زیرا رعایت حقوق جوان، در هدایت جوان به سوی انجام دادن وظایفش بسیار مؤثر است. گاهی بزرگ ترها نمی توانند احساسات جوانان را به خوبی درک کنند و جوانان ناراضی و حتی معترض اند. پس، رعایت روحیات جوانی و نیازهای روحی و جسمی آنان بسیار مهم است. در میان گروه های جامعه، جوانان بیش از گروه های دیگر در عرصه اجتماعی، به نیکی و نگاه پر مهر و

لطف بزرگ ترها نیاز دارند؛ چنان که بدون توجه و رویکرد حکومت به اهمیت این نسل، عرصه شکفتن و بالندگی بر جوانان تنگ می شود.

تحلیل وضعیت سازمان های مردم نهاد در توسعه حقوق جوانان

قدمت یکصد ساله تشکلهای غیردولتی در نظام حقوقی ایران مبین آن است که این تشکلهای در نظام حقوقی کشور به رسمیت شناخته شدهاند. این تشکلهای مانند سایر مؤسسات خصوصی دارای شخصیت حقوقی و اهلیت برخورداری از حقوق مالی و سیاسی می باشند، اما از حقوق غیرمالی مانند سایر اشخاص حقوقی محروم اند. تشکلهای غیردولتی ایران از مسئولیت مدنی برخوردارند، اما در مورد مسئولیت کیفری آنها دو تلقی وجود دارد که وجه ارجح آن است که مسئولیت کیفری نیز متوجه آنهاست. امروزه با توجه به تنوع نقشهای این تشکلهای، علیرغم برخی ممنوعیتها باید تشکلهای غیردولتی را تأسیسات حقوقی ویژه با نظام حقوقی مختلط دانست. از یک سو، در حقوق داخلی این تشکلهای آمیزه ای از "حقوق خصوصی" و "حقوق عمومی" هستند و از سوی دیگر، با نگاهی به عملکرد گسترده و فرامرزی شان باید آنها را تابعی از تابعان "نظام حقوق داخلی" و "نظام حقوق بین الملل" به شمار آورد. گرچه قانون اساسی ایران در هیچ جا به طور صریح به فعالیت چنین تشکلهایی اذعان نکرده است، اما در اصول متعدد به آزادی تشکیل و فعالیت گروهها اشاره نموده است.

چهارچوب تاریخی اسناد مرجع در خصوص قانون بین المللی حقوق جوانان

- کنوانسیون ها و توصیه های مربوطه به حقوق جوانان مصوب کنفرانس بین المللی کار: ۱۹۳۷ - ۱۹۱۹
- قطعنامه های مربوط به حقوق و مسئولیت های جوانان مصوب کنفرانس هیات های مدیره و کارشناسی جامعه ملل: ۱۹۳۳ - ۱۹۲۳
- سازمان های عمده بین المللی غیردولتی جوانان که برای ارتقای حقوق و مسئولیت های جوانان از طریق جامعه ملل فعال بوده اند: ۱۹۴۰ - ۱۹۲۶
- قطعنامه های مربوط به حقوق و مسئولیت های جوانان، مصوب مجمع عمومی و شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد ۱۹۹۳ - ۱۹۶۵
- قطعنامه های کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و اجلاس های مرتبط در مورد حقوق جوانان ۱۹۹۳ - ۱۹۶۹

الف) آموزش جوانان سرتاسر جهان برای رشد شخصیت شان و تقویت احترام آنان به بشر و آزادی های اساسی؛

ب) نقش جوانان در ترویج و حمایت از حقوق بشر (برپاکننده سمینار : بخش حقوق بشر سازمان ملل متحد با همکاری دولت یوگسلاوی ، بلغراد ، یوگسلاوی ، ۱۲-۲ ژوئن ۱۹۷۰)

یک) خواسته های جوانان پیرامون استانداردهایی که باید در مسیر تحقق خواسته های بشردوستانه عمده در دوران حاضر حاکم باشد.

دو) نقش جوانان در اعمال استانداردهای حقوق بشر به ویژه پیرامون توسعه اقتصادی و اجتماعی؛ حمایت و ترویج آزادی های اساسی؛ ریشه کن نمودن نژادپرستی، آپارتاید و استعمارگری؛ ارتقای صلح و عدالت جهانی، روابط دوستانه و همکاری در میان کشورها.

سه) آموزش جوانان پیرامون حقوق بشر و آزادی های اساسی.

چهار) مشارکت جوانان در توسعه ملی و همکاری بین المللی برای ترویج و حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی.

مجمع عمومی ملل متحد و حقوق جوانان

با تشکیل سازمان ملل متحد و به وجود آمدن نظام سازمان ها و آژانس های وابسته به آن در سال ۱۹۴۵، قانون بین المللی حقوق جوانان ماهیتی متنوع تر و گسترده تر یافت که نتیجه آن، ضرورت گزارش دهی متنوع توسط دولت ها بود. همان گونه که در فصل دهم آمده است، مجمع عمومی به تنهایی حداقل ده مقوله مختلف از قطعنامه های مربوط به حقوق و مسئولیت های جوانان را به تصویب رسانده است.

در حال حاضر تنها یک "اعلامیه" (مصوب سال ۱۹۶۵) و دو "رهنمود" در این مورد موجود است که عنوان یکی از آنها "برنامه ریزی بیشتر و پیگیری مناسب در زمینه مسائل جوانان" (در ۱۹۸۵) و عنوان دیگری "پیشگیری از بزهکاری جوانان" (در ۱۹۹۰) است. با این حال، قطعنامه های بسیاری وجود دارد که در آن بند های خاصی در زمینه جنبه های خاص حقوق جوانان گنجانده شده است. به عنوان مثال، مجمع عمومی ملل متحد طی قطعنامه های خود به شماره ۴۳/۹۴ مصوب سال ۱۹۸۸ و شماره ۴۴/۵۹ مصوب سال ۱۹۸۹ بر اهمیت آزادی جوانان و سازمان های جوانان در تشکیل اجتماعات (مطابق با قوانین ملی ذی ربط، اعلامیه جهانی

حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و سایر اسناد بین المللی حقوق بشر) تاکید ورزید که این آزادی طرح ها و فعالیت های سازمان یافته در سطوح محلی، ملی، منطقه ای و جهانی برای جوانان ارائه شود. در نظام ملل متحد هیچ گونه سند الزام آوری وجود ندارد که تضمین کننده حقوقی نظیر حق آزادی جوانان و سازمان های جوانان در تشکیل اجتماعات باشد. اگرچه سازمان بین المللی کار ساز و کار ویژه ای به نام "کمیته آزادی اجتماعات" دارد که با موافقت شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد برای بررسی شکایات در زمینه آزادی اجتماعات به وجود آمده است، اما این امر به طور سنتی به اتحادیه های کارگری محدود بوده است. اتحادیه های دانشجویی/دانش آموزی نه تنها به کمیته مذکور، بلکه به "کمیسیون آشتی و رفع اختلاف یونسکو" نیز دسترسی نداشته اند.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه های متعددی را پیرامون حقوق بشر و آزادی های جوانان به تصویب رسانده است (جدول ۸). قطعنامه های اولیه در این زمینه به سال های ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۰ مربوط می شوند که در پی جنبش های اعتراض آمیز جوانان در سراسر جهان تصویب شدند. علاوه بر اعلامیه سال ۱۹۶۵، اولین قطعنامه درباره جوانان و حقوق بشر در سال ۱۹۶۸ توسط مجمع عمومی ملل متحد به تصویب رسید و بر درخواست کنفرانس بین المللی حقوق بشر مبنی بر استفاده از کلیه روش های آموزشی جهت رشد و ارتقای جوانان در فضایی آکنده از روحیه احترام به کرامت انسانی و تساوی حقوق انسان ها بدون اعمال تبعیض مبتنی بر نژاد، رنگ، زبان، جنسیت و عقیده تاکید نمود.

جدول ۱: قطعنامه های اصلی مصوب مجمع عمومی ملل متحد پیرامون حقوق و مسئولیت های جوانان

شماره	سال	موضوع	نوع سند
(xx)۲۰۳۷	۱۹۶۵	ترویج آرمان های صلح و احترام و تفاهم متقابل بین ملت ها در میان جوانان	اعلامیه
(XXIII) ۲۴۴۷	۱۹۶۸	حقوق جوانان آموزش آنان برای احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی و مشکلات و نیاز های آنان	قطعنامه ها
(xxiv) ۲۴۹۷	۱۶۹۹		
(XXV)۲۶۳۳	۱۹۷۰		
۳۶/۲۹	۱۹۸۱	حقوق جوانان برای مشارکت در توسعه اجتماعی و اقتصادی و بهره مندی آنان از حق زندگی، اشتغال و آموزش	قطعنامه ها
۳۷/۴۹	۱۹۸۲		

۳۸/۲۳	۱۹۸۳		
۳۹/۲۳	۱۹۸۴		
۴۰/۱۵	۱۹۸۵		
۴۱/۹۸	۱۹۸۶		
۴۲/۵۲	۱۹۸۷		
۴۰/۱۶	۱۹۸۵	فرصت های مساوی برای جوانان	قطعه نامه ها
۴۲/۵۳	۱۹۸۷		
(XXVII) ۳۰۲۲	۱۹۷۲	حقوق جوانان در زمینه ایجاد شبکه های جهانی و مجازی ارتباطی	قطعه نامه ها
۴۲/۵۵	تا ۱۹۸۷		
۳۳/۷	۱۹۷۸	حقوق و مسئولیت های جوانان: مشارکت، توسعه و صلح	قطعه نامه ها
۴۰/۱۴	تا ۱۹۸۵		
۴۰/۱۴	۱۹۸۵	برنامه ریزی بیشتر و پیگیری مناسب در زمینه مسائل جوانان	قطعه نامه ها
۴۲/۵۴	۱۹۸۷		
۴۰/۳۳	۱۹۸۵	اداره دادرسی نوجوانان و پیشگیری از بزهکاری نوجوانان	قطعه نامه ها
۴۵/۱۱۲	۱۹۹۰		
۴۵/۱۱۳	۱۹۹۰		
۳۱/۱۲۶	۱۹۷۶	مساعدت به دانشجویان / دانش آموزان آواره در جنوب آفریقا	قطعه نامه ها
۴۴/۱۵۷	۱۹۸۹		
۴۵/۱۷۱	۱۹۹۰		
۴۱/۹۷	تا ۱۹۸۶	سیاست ها و برنامه های ترویج حقوق و مسئولیت های جوانان	قطعه نامه ها
۴۷/۸۵	۱۹۹۲		

جامعه مدنی و توسعه مشارکت های اجتماعی

جامعه مدنی سپر و حفاظ شهروندان در برابر دولت و تنظیم کننده روابط و مناسبات میان دولت و شهروندان بر اساس مشارکت عمومی در گردش امور همگانی جامعه است. جامعه مدنی به عنوان یکی از کانون های آموزش و قدرت یابی شهروندان، از عرصه هایی است که افراد از طریق آن و به واسطه تعاملات مدنی به موقعیت شهروندی فرد دارای حق مشارکت در زندگی اجتماعی و سیاسی نائل می شوند. رشد، پویایی و شادابی جامعه مدنی تأثیر مهمی در شکوفایی نقش انسان در زندگی اجتماعی و سیاسی داشته است. در جامعه مدنی به افراد فرصت حضور در اجتماع و موقعیت های اجتماعی اعطا می شود؛ لذا پویایی و شادابی جامعه مدنی به رشد شخصیت انسانی، بلوغ اجتماعی و استقلال او در برابر دیگر بازیگران و کانون های قدرت منجر می شود.

از طریق مشارکت در فعالیت های مدنی است که افراد با دیگران تعامل می کنند و ارتباطات اجتماعی بر مبنای احترام و نفع متقابل شکل می گیرد؛ شهروندان متوجه ارتباط بین منافع شخصی خود و مصالح اجتماعی می شوند و از این طریق می توانند به انباشت و افزایش سرمایه اجتماعی کمک کنند. (مقدم، ۱۳۷۰: ۸۸) یک جامعه مدنی قوی، جامعه ای را شکل می دهد که در آن تمامی افراد به طور یکسان از حقوق شهروندی بهره مند گردند. جامعه مدنی قوی و متکثر برای شکل دادن به یک فرهنگ دموکراتیک ضروری است (نیرا، ۱۳۷۷: ۸۱). بنابراین، وجود جامعه مدنی پویا و فعال زیر بنای شکل گیری سرمایه اجتماعی در جامعه می باشد.

از سوی دیگر، بالا بودن میزان سرمایه اجتماعی باعث می شود تا نهادهای اجتماعی شکل گرفته توسط مردم بتوانند وظیفه خود را به عنوان ناظر و کنترل کننده عملکرد دولت به انجام برسانند و از این طریق شهروندان قادر گردند در شکل دادن به یک جامعه مدنی قوی مشارکت داشته باشند. به گفته منتسکیو: "اصلاحات سیاسی متوقف بر اصلاحات فکری و اخلاقی است". (تامس، ۱۳۸۰: ۱۴۳)

"سرمایه اجتماعی"، مجموعه هنجارها و ارزش های غیر رسمی است که میان اعضای یک گروه مشترک هستند. این گروه می تواند از یک گروه دولتی، یک سازمان غیر دولتی، یک شبکه تا یک ملت را در برگیرد. (فیروزآبادی، ۱۳۸۳: ۶۰)

اگر افراد در یک بستر مدنی مشارکت کنند و اشتراکاتی را که به عنوان شهروندان با سایر افراد دارند - فارغ از پیوندهای درونی با زمینه های قومی و فرهنگی - مبنا قرار دهند، سرمایه اجتماعی شکل می گیرد. البته همین

پیوندهای درون گروهی می‌تواند پتانسیلی مولد برای انباشت سرمایه اجتماعی باشد که یکی از نمونه‌های این رشد و انباشت نقش NGOs است؛ چنان‌که این سیر می‌تواند به سمت کسب منافع ملی و جلوگیری از اتلاف انرژی و سرمایه اجتماعی نسل جوان منجر شود.

با این حال، نباید نقش دولت در شکل‌گیری این مسئله را از نظر دور داشت. شکل‌گیری هر پدیده اجتماعی احتیاج به شرایط خاصی دارد. به عبارت دیگر، انسان‌ها نمی‌توانند به صورت کاملاً ارادی و تحت هر شرایطی، هر نوع جامعه‌ای را که خواستند ایجاد کنند، بلکه باید زمینه‌های عینی و ذهنی لازم برای شکل‌گیری نوع خاصی از جامعه و پدیده اجتماعی وجود داشته باشد. مهیا کردن این زمینه‌ها عمدتاً بر عهده دولت‌ها می‌باشد. در این جهت تغییر نگاه دولتمردان به مردم ضروری است؛ باید مردم را به دیده کسانی دید که فعالانه - با اعطای فرصت‌ها - درگیر شکل‌دادن به سرنوشت خودشان هستند.

همچنین آماده‌سازی محیط قانونی و سیاسی زیربنایی، تأمین منابع مالی و فیزیکی، ایجاد کانال‌هایی جهت ابراز شرایط توسط افراد و گروه‌ها و کمک به جوانان برای فعال شدن در امور مشارکتی کشور خود و تعیین هنجارهای مشترک، دسترسی و شرایط مشارکت اجتماعی را امکان‌پذیر می‌نماید. (گلشن پژوه، ۱۳۸۱: ۹۹)

تشکیل یک سازمان غیر دولتی مستلزم آن است که ارزش‌ها و هنجارهای مشترک (چه مثبت و چه منفی) میان افراد وجود داشته باشد تا این افراد در جهت تحقق بخشیدن به اهداف و هنجارهای یاد شده در سطح جامعه اقدام به سازماندهی و تشکیل گروه نمایند. همانطور که ذکر گردید یکی از شاخص‌هایی که برای اندازه‌گیری میزان سرمایه اجتماعی در جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد، حجم فعالیت داوطلبانه افراد است. از آنجا که فعالیت داوطلبانه افراد بیشتر از طریق مشارکت در گروه‌های غیر دولتی رسمی و غیر رسمی صورت می‌پذیرد، می‌توان از حجم و گستردگی فعالیت سازمان‌های غیر دولتی به عنوان معیاری در جهت سنجش میزان سرمایه اجتماعی استفاده نمود که این مشارکت حرکتی در مسیر استفاده از ظرفیت پنهان مردم در راستای کسب منافع ملی حداکثری می‌باشد.

از دیدگاه پژوهشگران عرصه مطالعات اجتماعی و علوم سیاسی، مهم‌ترین عامل مؤثر بر اقتدار نرم دولت در صحنه سیاست خارجی و داخلی افزایش مشارکت‌های اجتماعی توسط تشکل‌ها و مجموعه‌های غیر دولتی است (کلارک، ۲۰۰۰: ۲۸) چرا که معتقدند این وجه از قدرت، پایه‌های تصمیمات سیاست خارجی و داخلی کشور را محکم می‌سازد، مشروعیت لازم برای سیاست‌های متخذه در روابط خارجی را در انظار دولت‌های

دیگر فراهم می‌آورد و با استفاده از این توان می‌توان در مسیر کمک به دیپلماسی عمومی گام برداشت. از سوی دیگر، این امر در بطن خود، درجه‌ای از وحدت و هم‌سنگری را در میان مردم کشور موجب می‌شود که به نوبه خود با کاستن از امکان درگیری‌ها و اختلافات قومی و مذهبی، سرمایه مناسبی از قدرت نرم را در اختیار حکومت قرار می‌دهد. پوتنام معتقد است سرمایه اجتماعی که لازمه آن مشارکت اجتماعی و توسعه تشکل‌های غیر دولتی است، مجموعه‌ای از مفاهیمی چون اعتماد، هنجار و شبکه‌های ارتباطی میان افراد یک اجتماع می‌باشد که موجب افزایش امنیت جامعه نیز خواهد شد، چرا که افراد در محیطی ساختارمند حتی اعتراضات خود به سیستم حاکم را اعلام می‌کنند و به این واسطه دولت در جریان مستقیم نقدها و اشتباهات احتمالی خود قرار می‌گیرد- علاوه بر آن که مسائل به صورت زیرزمینی و محرمانه که منجر به آشوب یا نافرمانی مدنی شود، پیگیری نخواهد شد. این توسعه وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در سیستم‌های مختلف سیاسی است (پوتنام، ۱۹۹۷: ۷۶). پوتنام بر اعتماد تأکید زیادی می‌کند. از نظر او، اعتماد و ارتباط متقابل در شبکه‌های اجتماعی منابعی هستند که در کنش‌های اعضای جامعه موجود است.

شاخص‌هایی که به طور متعارف برای سنجش مشروعیت و مصادیق جامعه مدنی به کار می‌روند، عبارت‌اند از: آزادی انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق رأی همگانی، حق مراجعه به دادگاه صالحه، آزادی گردش سرمایه‌های فکری و مالی، حق تجمع قانونی و تشکیل حزب سیاسی و تشکل‌های غیر دولتی، برابری شهروندان و گردش مسالمت‌آمیز قدرت (Edwards, 1999: 58)

البته به اعتقاد بیشتر کارشناسان، همان‌گونه که مشروعیت سیاسی نقش بسیار مهمی در افزایش سرمایه اجتماعی دارد، سرمایه اجتماعی نیز یکی از مهم‌ترین منابع ایجاد و افزایش مشروعیت سیاسی برای دولت به شمار می‌رود.

سازمان‌های غیردولتی در زمینه حمایت از حقوق گروه‌های مختلف افراد نقش عمده‌ای را برعهده دارند. اصولاً حقوق بشر به قدرت نمایندگی افراد در معرض تهدید بستگی دارد. حقوق اندکی هستند که بدون این که یک گروه آن‌ها را تقاضا کنند یا از آن‌ها حمایت کنند، قابل اعمال و دستیابی هستند.

سازمان‌های غیردولتی در حمایت از حقوق گروه‌های مختلف افراد به ویژه گروه‌هایی که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند، نقش عمده‌ای برعهده دارند. به علاوه، فعالیت‌های این سازمان‌ها موجب می‌گردد تا توجه افکار عمومی نسبت به موارد ناشناخته و غیرمشهور نیز جلب گردد.

در حوزه حقوق زنان، سازمان های غیردولتی به کانون‌هایی برای بیان خواسته‌های آنان تبدیل شده‌اند تا زنان از شکل سیال و توده‌ای خارج شوند. بدیهی است تا نهادها، تشکل‌ها و انجمن‌ها عهده دار بیان خواسته‌های زنان نشوند و تا این تقاضاها به یک نیروی اجتماعی تبدیل نشوند، چند نماینده و یک یا دو وزیر مشکل را نمی‌توانند حل کنند.

آن دسته از سازمان های غیردولتی که به طور غیرمتعصبانه و از دیدگاهی برابر به حمایت از حقوق زنان پرداخته‌اند توانسته‌اند نقش موثری در آگاهی زنان نسبت به حقوق خود و طرح مطالعاتی در این زمینه ایفا نمایند.

در حوزه دفاع از حقوق معلولان، سازمان های غیردولتی از طریق ارائه کمک‌های پزشکی و اجتماعی به اشخاص ناتوان جسمی و روحی و نیز کمک به پذیرش و ادغام آن‌ها در اجتماع فعالیت می‌کنند. تشکیل مراکز بازتوانی و کارگاه‌های تولیدی برای معلولان از دیگر اقدامات انجام شده است. هدف این گونه فعالیت‌ها نیل به یک وضعیت اقتصادی پایدار برای معلولان است. سازمان های غیردولتی باید این حقیقت را مورد تاکید قرار دهند که اشخاص ناتوان از حق زندگی توأم با احترام برخوردارند و از تمامی حقوق بشر به طور یکسان بهره‌مند می‌گردند.

از بین بردن قومیت‌گرایی، سازمان های زنان و جوانان و سایر سازمان‌هایی که اهدافشان منحصر به یک گروه قومی خاص نیست می‌توانند با جذب گروه‌های مختلف و نیز اقلیت‌ها به درون خود و نزدیک ساختن این گروه‌ها با یکدیگر در جهت از بین بردن یا کاهش دیدگاه‌های قومی مفید باشد.

یتیمان و کودکان تک سرپرست، پدیده ای نگران کننده هستند که ممکن است به آسانی از سوی دولت و نهادهای رسمی نادیده گرفته شوند، چرا که بچه را به راحتی می‌توان از دید جامعه پنهان کرد و ظرفیت حمایت‌گرانه‌ای در مورد آنان ایجاد نمود.

در مورد زندانیان، سازمان های غیردولتی باید توجه کنند که بازداشت پیش از محاکمه زندانیان در حداقل زمان ممکن باشد و آنان در زندان از رفتار احترام‌آمیز و شرایط بهداشتی مناسب برخوردار باشند. شیوع ایدز در برخی از زندان‌های ایران نگران کننده است. شیوع بیماری در زندان منجر به شیوع بیماری در کل جامعه می‌گردد. لذا شرایط بهتر زندان بر کل جامعه تاثیر می‌گذارد. (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۳۰)

به علاوه، سازمان های غیردولتی باید در اجرای طرح خدمات عمومی زندانیان در تمام سطوح مشارکت داشته باشند. همچنین باید در سیاست‌گذاری‌های مربوط در حد ارائه توصیه و راهکار شرکت کنند.

بیماران روانی، گروه دیگری هستند که نیازهای آنان اغلب توسط نهادهای رسمی و دولتی نادیده گرفته می‌شود. دفاع از حقوق افرادی که از تعادل روحی برخوردار نیستند، نه شهری به دنبال دارد و نه پاداشی به آن اعطا می‌گردد. سازمان های غیردولتی که به صورت موفقیت‌آمیزی این چالش را برگزیده‌اند، شایسته پاداش و تحسین هستند.

مبتلایان به ایدز که جمعیت آن‌ها روز به روز در حال افزایش است، به طور نامناسب از صحنه اجتماع طرد می‌گردند. دیدگاه نادرست جامعه نسبت به این افراد باعث می‌گردد تا آن‌ها تلاش کنند بیماری خود را پنهان نگاه دارند که این امر جامعه را در معرض خطرهای جدی قرار می‌دهد. به علاوه، این رانده شدگی موجب بروز علامت‌های ضد اجتماعی و رفتارهای انتقام‌جویانه در این افراد می‌گردد. توجه سازمان های غیردولتی و افراد علاقمند به انجام فعالیت‌های داوطلبانه به این حوزه ضروری به نظر می‌رسد.

کودکان خیابانی و دختران فراری، به یکی از جدی‌ترین معضلات اجتماعی ایران در سال‌های اخیر تبدیل شده است. توجه جدی فعالان جامعه مدنی و مردم به این حوزه ضرورتی انکارناپذیر است. به دلیل آنکه این گروه‌ها با مشکل تامین نیازهای اولیه از جمله سرپناه و تغذیه روبه‌رو می‌باشند، سازمان های غیردولتی که این گروه‌ها را هدف فعالیت‌های خود قرار داده‌اند توانسته‌اند موفقیت‌های قابل توجهی را به دست آورند.

پدیده اعتیاد، از دیگر مسائل مبتلا به جامعه امروز ایران می‌باشد. بیکاری روزافزون جوانان و عدم موفقیت آنها در کسب یک هویت اجتماعی مشخص موجب گرایش روزافزون جوانان به مواد مخدر شده است. ورود مواد مخدر مصنوعی به بازار ایران و افزایش استفاده از این مواد در میان جوانان، توجه جدی جامعه مدنی را می‌طلبد. سازمان های غیردولتی می‌توانند در این حوزه نقش مؤثری را ایفا نمایند.

سازمان های غیردولتی نقش عمده‌ای را در زمینه تدوین و توسعه حقوق بشر در سطح بین‌المللی بر عهده داشته‌اند. این سازمان ها در کنفرانس سانفرانسیسکو و تدوین منشور ملل متحد حضوری فعال داشتند. بر اثر تلاش‌های این سازمان ها بود که ماده ۷۱ منشور ملل متحد در مورد اعطای نظام مشورتی به سازمان های غیردولتی به تصویب رسید. (مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد، ۱۳۷۹: ۵۰)

به علاوه، سازمان های غیردولتی در جهت ایجاد سمت "کمیسر عالی حقوق بشر"، قبولاندن اصل جهانی بودن حقوق بشر در سطح جهان و ایجاد محاکم بین‌المللی در یوگسلاوی و رواندا تلاش‌های زیادی را به عمل آوردند. (همان)

در سایر کنفرانس‌های بین‌المللی نیز سازمان های غیردولتی مشارکت فعالی داشته‌اند که از میان آن‌ها می‌توان به کنفرانس جهانی حقوق بشر وین (۱۹۹۳)، کنفرانس جهانی زنان پکن (۱۹۹۵) و کنفرانس ژوهانسبورگ (۲۰۰۲) اشاره کرد. در این کنفرانس‌ها سازمان های غیردولتی ضمن مشارکت در مباحث کنفرانس و امور مربوط به تهیه پیش‌نویس سند نهایی اقدام به برپایی نمایشگاه‌های عکس، نقاشی، کتاب و ... پیرامون موارد نقض حقوق بشر در حوزه‌های تحت پوشش خود و یا تبلیغ گروه خود نمودند.

در سطح داخلی نیز سازمان های غیردولتی تلاش می‌کنند تا با ارائه راهکارهای اجرایی و یا نظری در زمینه حقوق بشر معیارسازی کنند. ارائه طرح به مراجع اجرایی و قانون گذاری ملی از جمله این فعالیت هاست. به عنوان مثال، طرح اولیه لایحه منع کودک آزاری را انجمن حمایت از حقوق کودکان تهیه کرده بود.

سازمان های غیردولتی به دلیل ساختار و خصوصیات خاص خود مورد وثوق مراجع بین‌المللی قرار دارند. ملاحظات سیاسی در موضع‌گیری‌های این سازمان ها دخالت کمتری دارد.

بدون سازمان های غیردولتی، دولت هیچ درکی از آنچه در حال وقوع در سطح پایین جامعه است، ندارد. وضعیت مبهم خواهد بود؛ هیچ گونه ارتباطی بین بالا و پایین وجود ندارد. ارگان‌های سطح بالای رهبری برای تصمیم گیری به اطلاعات یکطرفه و نادرست وابسته خواهند بود و لذا اجتناب از ذهنیت گرایی را دشوار خواهند یافت.

اما باید دید برای تعیین جایگاه سازمان های غیردولتی در جامعه و تثبیت آن چه می‌توان کرد و مسئولیت این وظیفه دشوار را چه کسی بایست برعهده گیرد- دولت یا مردم؟

آنچه مسلم است برای تقویت سازمان های غیردولتی و ارتقای نقش آن‌ها در جامعه، مشارکت تمامی بخش‌ها و گروه‌های اجتماع ضروری است. همان طور که گفته شد شکل گیری سازمان های غیردولتی وابسته به سطح و میزان "سرمایه اجتماعی" در کشور است. این امر نیز به نوبه خود معلول عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و قانونی متعدد است.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به یافته های تحقیق و برای اینکه بتوانیم از ظرفیت سازمان های مردم نهاد در توسعه حقوق جوانان بهتر بهره ببریم و در پاسخ به سؤال تحقیق موارد زیر ارائه می گردد:

اصلاح نگرش در قبال حقوق و تکالیف جوانان باید صورت گیرد؛ به طوری که یک نگاه اعتدال گرایانه نسبت به حقوق جوانان در حاکمیت و در افکار عمومی ایجاد شود. نقش و سهم جوانان در اشکال مختلف سازمان یافته اعم از مدیریت و فعال شدن در نهادهای حاکمیتی و غیرحاکمیتی مورد توجه ویژه قرار گیرد. در این میان، دولت ها بهتر است آسان سازی رویه های فعلی با اعمال تفسیر آزادانه از مقررات را در دستور کار خود قرار دهند و با نهادسازی، زمینه مشارکت و توسعه حقوق جوانان را فراهم نمایند. تشکیل گروه های کاری مشترک با شرکت سازمان های غیردولتی، متخصصان و دولت در مورد سازمان های غیردولتی با داشتن اختیارات واضح از طرف دولت برای تهیه مقرراتی که به سازمان های غیردولتی اجازه دهد به عنوان شرکای مؤثری در فرآیند توسعه حقوق جوانان فعالیت کنند، به کاهش نقش دولت و مراجع دولتی در مراحل تأسیس، فعالیت و انحلال سازمان های غیردولتی و نیز تغییر مقررات مربوط به ثبت و فعالیت سازمان های غیردولتی بین المللی در ایران و توسعه حقوق جوانان کمک خواهد کرد.

یکی از وظایف دولت ها در قبال سازمان های بین المللی، حمایت از حقوق جوانان است. نهادهای دولتی و غیردولتی باید طبق مفاد "منشور تربیتی نسل جوان" و "منشور ملی حقوق جوانان" که در آن افراد ۱۵ تا ۲۹ ساله به عنوان "جوان" تلقی شده اند و نیز تصریح منشور ملی حقوق جوانان که باید زمینه مشارکت کامل در تعیین سرنوشت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و مشارکت فعال در فرآیند توسعه ملی و تقویت و پیشبرد صلح در ایران و جهان از حقوق مسلم جوانان کشور است فراهم با تشکیل نهادها، انجمن ها و سازمان های غیردولتی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در مسائل ملی مشارکت داشته باشند. حق حفظ و ترویج صلح و آزادی عقیده از دیگر حقوق مصرح در این منشور برای جوانان کشور است؛ به گونه ای که جوانان می توانند بدون بیم و اضطراب استقلال عقیده داشته باشند و عقاید خود را اظهار کنند. مطابق این منشور جوانان کشور از تفتیش عقاید و مواخذه به علت داشتن عقیده ای خاص مصون هستند و مسؤولان کشور مکلف به استماع نظرات جوانان یا نمایندگان آنها می باشند. در منشور تدوین شده سازمان ملی جوانان، آزادی بیان و ابراز وجود

بدون هیچ فشار حاکی از مداخله‌گرایی دیگران به هر شکل از جمله برگزاری تریبون‌های آزاد و اظهارنظر در موارد گوناگون از حقوق جوانان برشمرده شده و حقوقی چون حق آموزش و ... برای جوانان ایرانی در نظر گرفته شده است. "مخبر ویژه حقوق جوانان" نیز براساس این منشور مسئولیت تهیه گزارش‌هایی با استفاده از نظر متخصصان در مورد حقوق جوانان کشور را بر عهده خواهد داشت و شورای عالی جوانان نیز موظف به نظارت عالیه بر اجرای آن است. این منشور با تاکید بر دسترسی عادلانه جوانان کشور به فرصت‌های آموزشی، بر تلاش برای آموزش اجباری همه جوانان تصریح کرد. همچنین برخورداری از حق حرفه‌آموزی و دسترسی به امکانات و فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی در سطحی فراگیر برای همه جوانان کشور، آموزش "رایگان" جوانان مطابق مفاد قانون اساسی مورد تاکید قرار گرفته است. دسترسی آسان به منابع مطالعاتی پیرامون بهداشت جنسی و باروری و امنیت و ایمنی در مقابل هر نوع خشونت و آزار جسمی و روحی در بخش حقوق بهداشتی جوانان مورد حمایت قرار گرفته است.

همانطور که در این پژوهش اشاره شد اهمیت جایگاه جوانان از زمان آفرینش انسان مورد توجه بوده و در قرآن کریم و آموزه‌های همه ادیان آسمانی و گفتمان پیامبر اسلام و ائمه معصومین (ع) به نقش جوانان در کمک به ساخت جامعه‌ای عاری از آلودگی به واسطه فطرت پاک آنان اشاره شده است. بدیهی است که جوانان دارای حقوق مشخصی هستند که به برخی از آنها پرداخته شد، اما پیگیری مطالبات و حقوق آنان نیازمند زیرساخت‌هایی مانند سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان برای پیگیری و حتی عملیاتی کردن حقوق یاد شده است. لذا با توجه به جایگاه ویژه این سازمان‌ها در کشور و نظام بین‌الملل، توصیه می‌گردد که از ظرفیت یاد شده با نگاهی بسیط و رویکردی توسعه‌ای در راستای حقوق جوانان بهره‌گیری شود.

منابع

- لمتون، آن کی اس. (۱۳۷۹). نظریه دولت در ایران. چنگیز پهلوان. تهران: نشر گيو
- لپیست، سیورمارتین. (۱۳۸۱). دایره المعارف دمکراسی. گروه مترجمان. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه
- رضوی، محمدرضا. (۱۳۷۸). "توان رقابتی و روابط پیمانکاری". نامه علوم اجتماعی. شماره ۱۹.
- مرکز اطلاعات سازمان ملل. (۱۳۸۰). گزارش دبیرکل به اجلاس ویژه مجمع عمومی در باره ایدز. تهران: انتشارات دفتر سازمان ملل متحد
- مدبر، روح اله. (۱۳۹۴). "نقش سازمان های مردم نهاد جوانان در کسب منافع ملی جمهوری اسلامی ایران". رساله دکتری، دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات.
- نقی زاده، محمد. (۱۳۸۱). "نظریه شهروندی و فرهنگ و تمدن ایرانی". مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۱۸۳.
- نمازی، محمداقبر. (۱۳۷۹). بررسی وضع موجود تشکل های غیردولتی ایران. تهران: نشر دفتر تحقیقات و مطالعات سیاسی دفتر مشارکت و بسیج مردمی وزارت کشور
- نمازی، محمداقبر. (۱۳۷۹). بررسی اجمالی سازمان های غیردولتی. تهران: نشر جامعه
- کولایی، الهه. (۱۳۸۳). "چشم اندازهای دمکراسی در ایران". خبرنامه انجمن مطالعات زنان. شماره ۱۰.
- موسی زاده، رضا. (۱۳۸۷). سازمان های بین المللی. تهران: بنیاد حقوقی میزان
- Volker Rittberger & Bernhard Zangl. (2010). **International Organizations: Polity, Politics and Policies**. Palgrave Macmillan in the UK/St. Martin's Press LLC in the US
- Margaret P. Karns & Karen A. Mingst. (2011). **International Organizations: The Politics and Processes of Global Governance**. London: Lynne Rienner Publishers
- Thomas, G. Weiss & Sam Daws. (2009). **The Oxford Handbook on the United Nations**. Oxford: Oxford University Press

- United Nations Conference on Sustainable Development (UNCSD) so called Rio Bob Reinalda. (2009). "Routledge History of International Organizations From 1815 to the Present Day". London: Routledge
- United Nations Development Program website: <http://www.undp.org>
- United Nations High Commissioner for Refugees website: <http://www.unhcr.org/cgi-bin/tehis/vtx/home;>



Role of NGOs in Development of Youth Rights

Rasool Montajab Nia

Ph.D. in Law and Jurisprudence, Faculty of Humanities, University of Shahd, Tehran, Iran

Rohollah Modaber

Ph.D. in International Relations, Youth Diplomacy Researcher, Tehran, Iran

Davood Noori

Ph.D. Student in Sport Sociology, Sciences and Researches Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received:3 Sep. 2016

Accepted:10 Nov. 2016

In the contemporary world, daily changes that occur in the field of communications has led the process of moving communities diluted the role of government every day and this situation is spurred the evolution. It is obvious that as societies evolve, new scenarios in the areas of social- political realized that the new priorities with the adoption of new practices and tools, as well as the capacity of non-state actors, particularly NGOs are required. In this regard due to the role of young people in different countries, especially developed nations as the force of thought, work and ideas in institutions and scientific centers and offices and the development of NGOs youth in the global system a variety of programs such philanthropic actions beyond the borders of countries, in the international arena that would impact on the minds of the masses of the people and even governments and international organization. The method used in this research was based on documentation and library data and also a qualitative study. In this study, we addressed the following questions using the tools of social participation: how youth NGOs can be effective in pursuing the rights of young people and what is their position in youth rights development? It seems the movement in the direction of domestic understanding of young people and their concerns will lead to the institutionalization of the culture of youth-oriented NGOs capacity and use of international experience to the next generation of the country.

Key words: Youth, NGOs, Youth Rights, Youth Work and Social Capital